



← معلم: فرض کنیم من مدیر مدرسه هستم و به عاملیت انسان هم معتقدم، با معلمانی متفاوت سر و کار دارم. یا باید این معلمها را کنار بگذارم یا تغییر نگرش در آنها ایجاد کنم که خیلی زمان بر است. ما چگونه می‌توانیم این دیدگاه را روشن برای آنها بیان کنیم تا ترغیب شوند.

دکتر باقری: اگر یک مدیر مدرسه نگاه عاملیتی داشته باشد در درجه اول باید با افرادی که زیر دست او هستند رابطه تعامل را حفظ کند. رابطه نباید مکانیکی باشد یا حتی رابطه ارگانیکی، ما باید ببذیریم این یک معلم است که نظر دارد، فکر دارد و یک تصمیم دارد که اگر به آن توجه نشود تعامل برقرار نخواهد شد. اگر اینها را ببذیریم قبول کرده‌ایم که معلمان عاملند. هم چنین باید همه لایه‌ها را لحاظ کنیم. اولین لایه شناختی و معرفتی است. ما باید در ابتدا با معلمانان جلسه بگذاریم و دعوت آنها در جلسه به رسمیت شناختن عاملیت است. به آنها بگوییم که قرار است مدرسه را با هم اداره کنیم، همین جمله بسیار مهم است. ما با هم فکر کنیم، کار کنیم و مشارکت کنیم. این خود ۵۰ درصد کار است.

توجه داشته باشیم که رابطه ما با معلمان یک نوع رابطه هم‌شأنی است، یعنی همه ما در یک جایگاه قرار داریم. بر این اساس باید باهم نظرات مختلف را که همه آنها محترم هستند گوش کنیم و نقد و بررسی کرده و بعد نظرخواهی کنیم. در اینجا بحثی صورت می‌گیرد و هر کسی نظر خود را مطرح می‌کند (همچنان انگیزه حقیقت‌خواهی جدی است) همه هم می‌دانیم که ما به دنبال محکوم کردن یکدیگر و یا چیز دیگری نیستیم. بلکه می‌خواهیم بهترین

گفت‌وگوی شجاعانه

گفت‌وگوی معلمان با
دکتر خسرو باقری، استاد
فلسفه تعلیم و تربیت

زینب وکیل

معلم علوم متوسطه اول

عکس: غلامرضا بهرامی

در گفت‌وگوهایی که با بعضی از معلمین داشتیم، از مدیرانی شکایت داشتند که وقتی نزد آنها نظرشان را بیان می‌کنند آنها، بدون توجه کامل به حرف و گفت‌وگو درباره آن، با آنها برخورد حذفی می‌کنند، به راستی یک مدیر یا یک معلم چگونه باید با نظرات مخالف مواجه شود و گروه معلمان یا دانش‌آموزان را با خود هم‌نوا و همگرا نماید؟ آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگوی دبیران با دکتر باقری در این خصوص است.

نظرات را بدانیم. البته مدیر از طریق توافق یا رأی گیری به جمع بندی می رسد و باید همه بدانند که جمع بندی مورد قبول همه است و به آن احترام بگذارند. مثل قایقی که در دریا شناور است و الان نظر نهایی این است که باید به سمتی پیش برود. همه باید این را بپذیرند و اصولاً یکی از منطق های کار جمعی چنین است. البته افراد اگر نظر جمع را نمی پذیرند آزادند که از مجموعه جدا شوند.

این حاصل نظرات یک جمع خردمند است و مدیر باید آن را عملی کند پس همه باید آن را قبول کنند و به مدیر نیز کمک کنند و اگر کسی این امر را زیر پا گذاشت باید پاسخگو باشد. در این میان اگر کسی اعتراض داشت مدیر باید در مورد چرایی این اعتراض سؤال کند و اگر فرد نپذیرفت از گروه جدا شود. قاطعیت مدیر در اینجا بسیار مهم است؛ البته قاطعیت در اجرا نه قاطعیت در تصمیم و تشخیص. و شاور هم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله، آل عمران/۱۵۹، یعنی اینکه ابتدا مشورت کن و وقتی تصمیم گرفتی عمل کن و به خداوند توکل کن (در این صورت چون سیر درستی راطی کرده ای خداوند نیز تو را تأیید و حمایت می کند).

معلم: اگر معیارهایی می خواهیم که روی آن ها بحث کنیم مشخص و مورد توافق نباشد این بحث فایده ای ندارد.

دکتر باقری: باید مبنایی را مشخص کرده و روی آن توافق کنیم و بعد بحث کنیم. یا سه مبنا باید صحبت کرد. **مبنای اول:** حرف متین و دانشی و پشتوانه دار باشد. انسان ها عقل دارند و حرف کسی را که متین صحبت می کند می پذیرند. **مبنای دوم:** توجه به جنبه های عاطفی؛ اینجا است که موعظه حسنه جواب می دهد. این خنثی کننده گیر و دارهای عاطفی است. **مبنای سوم:** گفت و گو کنیم، به شخصیت فرد حمله نکنیم بلکه به فکرش حمله کنیم. دقت کنیم که آدمی چون مکرم است به محض اینکه شخصیت او را مورد حمله قرار می دهیم دعوا می شود. حمله منطقی با سلاح استدلال است. شرط جدال احسن انصاف است. یکی از مهم ترین مسائل در بحث ها این است که باید اقرار به خطا کرد. چرا افراد اقرار نمی کنند، چون انگیزه حق جویی مخدوش شده است.

من صحبت های جالبی در سخنان گادامر می بینم. وقتی درباره موضوعی با کسی صحبت می کنید و می بینید که او نمی تواند آن را خوب بیان کند. کمکش کنید تا آن را خوب علیه شما بیان کند. چون حرف او درست و حرف شما نادرست است. این که ما اقرار کنیم حرف طرف مقابل درست است شجاعت می خواهد و انسان حق گریز فاقد آن است. خیلی جاها که حرف ما به جایی نمی رسد ما یا حرف غیردانشی می زنیم و یا بد صحبت می کنیم و ملاحظت و نرمی در صحبت ما وجود ندارد و حتی اهانت آمیز به سخن افراد نگاه می کنیم. تمرین و یادگیری این نوع گفت و گوها یکی از مهم ترین کارهای

وقتی درباره موضوعی با کسی صحبت می کنید و می بینید که او نمی تواند آن را خوب بیان کند. کمکش کنید تا آن را خوب علیه شما بیان کند

تعلیم و تربیتی است. اگر معلمین ما درست گفت و گو کردن و ضوابط آن را بیاموزند ما جامعه بهتری خواهیم داشت.

معلم: در واقع سؤال این است: برای اینکه حس حقیقت جویی در بچه ها تقویت شود و از بین نرود چه باید کرد؟

دکتر باقری: ما باید ابتدا نگرش حقیقت جویی را ایجاد کنیم، برای مثال دانش درجات مختلفی از قطعیت دارد و همه این ها در معرض بررسی هستند. معلم که می خواهد درس را شروع کند، از همان اول، آن نگرش را باید به بچه ها بدهد. باید از روند تغییرات در دانش اطلاعاتی را به دانش آموزان بدهد. برای مثال بگوید دانشمندان تا به حال این چنین فهمیده اند اما نمی توان گفت فهمشان صد در صد درست است. این نگرش به دانش بسیار مهم است. افراد را برمی انگیزد که در مورد درستی یا نادرستی مطالب فکر کنند و از اینجا حقیقت جویی شروع می شود. این غلط است که مطالب را

قطعی ارائه دهیم. متأسفانه بعضی از معلمان و دانش آموزان کتاب را وحی منزل می دانند. سنگ بنای دانش ورزی باید جوری گذارده شود تا افراد امکان تفکر داشته باشند. از دانش آموزان سؤال کنیم و اجازه بدهیم تا نظرشان را بگویند. معلم تک گو اجازه تفکر به دانش آموز نمی دهد. در سؤال هاست که می فهمیم که افراد چه فهمیده اند. کلاس را باید به بحث کشید. بحث کردن اتلاف وقت نیست، بحث نباید آن چنان گسترده شود که دانش آموز احساس بیهودگی کند، ارائه استاندارد در جهان ۲۰ دقیقه است. هنر تلخیص فکر در ۲۰ دقیقه اتفاق می افتد و ۲۰ دقیقه بعدی مخصوص بحث و گفت و گو است. در گفت و گو است که راهها باز می شود و ظرفیت افراد مشخص شده و فکر و خلاقیت شکوفا می شود. بعد از گفت و گو جمع بندی معلم بسیار مهم است. یکی از نقش های معلم جمع بندی است. او با دانشی که دارد ظرف مدت کمی می تواند یک بینش از دور، یعنی یک پرسپکتیو، به دانش آموز بدهد. اگر درس جمع بندی نشود و جغرافیای بحث مشخص نباشد، معلم نقش خود را کامل اجرا نکرده است. در کلاسی که بحث و انگیزه حقیقت جویی وجود دارد و اشراف معلم نیز حاصل است حقیقت جویی معنا پیدا می کند.

معلم: نظر شما این است که بچه ها باید به مرحله بحث کردن برسند؟ اما مشاهده ما بیانگر این است که خیلی وقت ها دانش آموزان حرفی برای گفتن ندارند.

دکتر باقری: اینکه حرفی برای گفتن ندارند مقداری از سر عادت است و مقداری به خاطر این است که از آن ها نظر خواسته نمی شود. آرام آرام باید شخص را حرکت داد. بچه ها باید بدانند که بحث کردن به معنای این نیست که اشتباه نکنند بلکه باید هدف تصحیح اشتباهات یکدیگر باشد. این ها ترس هایی است که باید برطرف شود.

معلم: چطور می توان در برخورد با دانش آموزان ابتدایی نظرشان را جویا شد؟

دکتر باقری: فکر خلاق در بچه ها زیاد است. آن ها تخیلشان قوی است و تجسم می کنند. سپس سؤال مطرح می شود و اگر در سن کم با کودکان این تمرین را انجام دهیم، تفکر را یسار می گیرند. تدریس در ابتدایی بسیار مهم و سخت است.